نقش فقر در اضمحلال خانواده

سمیه یوسفی – فاطمه مهدلو

سال 1390

چکیده

فقر یکی از معضلات مهمی است که در عصر حاضر دامن گیر خانواده ها و بالتبع جامعه شده است.عدم توانایی در بر طرف نمودن نیاز های اساسی یکی از عواملی است که منجر به بروز درگیری و اختلاف و روی آوردن جوانان به قتل،اعتیاد،سرقت و اعمال منافی عفت در جامعه می گردد. اولین تأثیر تمامی این انحرافات بروز کشمکش و در گیری در خانواده می باشد .که هم منجر به سلب آرامش و تعالی انسان می گردد ؛به سبب این که هنگامی که خانواده منبع در گیری شود؛رابطه ی بین اعضا به سردی گرائیده و در نهایت باعث اضمحلال بنیان خانواده ها می شود. اما! قبل از بررسی پیامدهای منفی فقر ،لازم است که عوامل بروز فقر بررسی شود. چون برای مبارزه با آثار شوم نیاز است که در ابتدا عوامل بروزآن شناسایی شود؛ تا بتوان در جهت رفع آثار شوم فقر قدمهایی بر داشت.آآتاتا بتوان در جهتا ر در نهایت ، در پایان به راه کارهایی جهت کاهش فاصله ی طبقاتی ،و نکته هایی برای حفظ این بنیان پرداخته شده است.

کلید واژه:فقر,اضمحلال،خانواده، بنیان.

**مقدمه**

امروزه آنچه یک کشور را در سطح بین المللی مطرح می نماید؛ و همچنین از نشانه های پیشرفت یک کشور ،توان اقتصادی خانواده های آن می باشد. اما!آنچه مسلم است این که توان و فقراقتصادی خانواده ها نه تنها از جهت مادی مطرح است؛ بلکه فقر در خانواده منجر می شود که اعضای خانده در بسیاری مواقع جهت رفع این مشکل خود و بر خورداری از موقعیت اجتماعی به اعمال و رفتارهای غیر اخلاقی و انحرافی چون اعمال منافی عفت ،اعتیاد،قتل و سرقت روی می آورد.

 آثار منفی فقر در سطح خانواده بسیار قابل توجه است ؛چرا که باعث می گردد ارتباط بین اعضای آن خدشه دار گردد.اختلافهایی بین اعضای خانواده بروز نماید؛و جو نا آرام و متشنجی تشکیل شود. در نهایت تمامی این ها، بنیان خانواده که پایه و اساس هر جامعه ای را تشکیل می دهد،مضمحل می نماید. هنگامی که خانواده ها متزلزل شوند به طور مسلم جامعه ای رو به سوی پیشرفت و تعالی نخواهیم داشت.

**معنای لغوی :**

فقر در لغت به معنای تنگدستی، تهیدستی 1و بر آورده نشدن نیاز های بشر به حد کفایت2 می باشد.اضمحلال در معنای تباه شدن و از هم پاشیدگی و نابودی3 به کار می رود.

**معنای اصطلاحی:**

نقش فقر در اضمحلال خانواده به این مفهوم است که؛تأثیربر آورده نشدن نیاز های انسان به حد کفایت و تهیدستی بر از هم پاشیدگی بننیان خانواده چیست؟

در همه زمانها این خانواده بوده وهست که وظیفه ی تربیت افرادی موفق و معتدل را بر عهده دارند.و این افراد یک جامعه است که آن را به سوی پیشرفت و یا اضمحلال می کشاند.ولی،علاوه بر محیط تربیتی خانواده نباید شرایط دیگری چون، فقر را در این زمینه نادیده انگاشت.

به ویژه امروزه با توجه به افزایش ارتباطات و تأثیر پذیری فرزندان به خصوص قشر جوان و نوجوان از دوست و همسال،اگر فقر دامن گیر خانواده ها شود؛اثر بسیار نامطلوبی را به جای خواهد گذاشت.چرا که اگر نیازهای فرزندان تأمین نشود در برخوردهای اجتماعی ،احساس حقارت و ضعف اعتماد به نفس خواهد نمود .

بنابر این همواره سعی خواهد کرد که جهت جبران این کمبودها ،از راه هایی نیاز های خود را تأمین نماید.در نتیجه ،ممکن است به سراغ انحرافات و بزهکار یکشانده شود.در پی آن شعله اختلافات شعله ور خواهد شد.و دیگر بین اعضای خانواده آن رابطه مستحکم گذشته حکمفر ما نخواهد بود.

و از آنجایی که این خانواده ها هستند که جوامعی پیشر فته و سعادتمند و یا شقی و مضمحل را می سازند؛نتیجه فقر در سطح وسیع تری در جامعه بروز خواهد کرد.آنچنان که امروزه خود شاهد آن هستیم که یکی از معضلاتی که جامعه با آن دست و پنجه نرم می کند ، فقر و پیامدهای منفی حاصل از آن است.4

اگر به چنین مسائل مهم و بنیادی پرداخته شود،در پی آن می توان راه کارهایی برای برطرف نمودن آنها ارائه نمود. وبه طور قطع بی اهمیتی به مسائل اثر گذاری چون فقر و معضلات ناشی از آن باعث خواهد شد ،همچنان خانواده و جوامع در آتش خانمان سوز فقر خواهند بسوزند. پس با وجود چنین اهمیتی ،نقش فقر در اضمحلال خانواده چیست؟

این موضوع همواره در زمانهای مختلفی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است؛و شاید راه کارهایی هم برای برطرف نمودن آن ارائه شده است ؛اما!یا این راه کارها صحیح نبوده و یا به طور کامل اجرا نگردیده است.بنابر این نتایج مطلوبی را در پی نداشته است.

وبه سبب اهیت زیاد این موضوع است که در علوم مختلفی چون،علوم انسانی،جامعه شناسی،روانشناسی و علومک اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.در حوزه ی علوم انسانی از جهت تأثیری که فقر بر کمالات انسانی خواهد داشت قابل بررسی است.در محدوده ی جامعه شناسی،به علت تأثیر پیامدهای منفی آن بر اضمحلال جامعه مورد بررسی قرار می گیرد.

از جنبه ی روانشناسی،به خاطر اینکه فقر عامل برخی از جرایم و همچنین افسردگی می گردد،قابل توجه می باشد.و در حوزه علوم اسلامی ،از این جهت که فقر منجر به بروز رفتارهایی مخالف شرع و اسلام می شود،قابل بررسی است.محققین در نظر دارند که به این موضوع از دید جامعه شناسی بپردازند.و از روش کتابخانه ای در این زمینه بهره جسته اند.

**انواع فقر**

فقر را می تنوان از دو جنبه مورد بررسی و تحلیل قرار داد.یکی فقر مادی و دیگری فقر معنوی می باشد.هر دو نوع فقر تأثیرات چشم گیری بر بنیان خانواده می گذارد .چرا که ممکن خانواده ای فقیر باشند اما به سبب غنای معنوی به سوی اضمحلال نیز کشانده نشود.

اما در مقابل خانواده ای به سبب عدم توجه و توکل به خداوندو عدم ارتباط با بزرگواران دین دچار افسردگی و بی هدفی شوند.ودر برابر دیگران احساس خواری ذلت نماید،و به جهت جبران چنین نقصی در خود در پی به دست آوردن ثروت و مکنت از راهی باشند. و دیگر اهمیتی به حلال و حرام بودن آن نداده و به سمت انحرافاتی کشانده شوند.

و هنگامی که مال حرام وارد خانواده شود، با توجه به تأثیرات آن دیگر نباید انتظار وجود خانواده ای با رابطه ای دوستانه و مبتنی بر دستورات اسلامی داشت.و به طور قطع چنین خانواده ای ،بنیانی متزلزل خواهد بود.

**خواستگاه های فقر**

لازم است قبل از پرداختن به تأثیر فقر در زندگی ها به خواستگاه ها و عوامل ایجاد آن پرداخت.عوامل ایجاد فقر را میتوان در دو دسته دسته بندی نمود.عوامل فردی چون،تنبلی ،اسراف، تبذیرو اندازه نگه داشتن را نام برد . ودر زمینه عوامل اجتماعی نیز مواردی چون اختصاص اموال به طبقه ی خاص، خیانت کار گزاران و خوردن مال مردم به ستم و گناه را بیان نمود.

روشن‏ترين اثر اقتصادى اسراف، فقر است، زيرا كه اسرافكار در اثر مصرف نارواى خود هم جامعه را به ورطه فقر مى‏كشاند و هم خود دچار فقر مى‏شود. لذا يكى از راههاى مبارزه اسلام با فقر و محروميت ايجاد هماهنگى اقتصادى و ريشه‏كن ساختن اسراف است. امام علی (علیه السلام) فرمودند:«سبب الفقرالاسراف»5 اسراف سبب فقر است.

در باب خوردن مال دیگران خداوند در قرآن کریم می فراید:«والله فضل بعضکم علی بعض فی الرزق، فما الذین فضلوا برادی رزقهم علی ما ملکت ایمانهم، فهم فیه سواء،افبنعمة الله یجحدون؟6»سوره نحل،آیه:16خدا به برخی از شما بیش از برخی دیگر روزی بخشید،و این صاحبان نعمت بیشتر، افزونی نعمت خویش را به بردگان خود نمی بخشند، تا در آن با یکدیگر برابر شوند؛ آیا منکر آنند که نعمت از آن خدا است؟

**پیامد های فقر مادی**

زندگی با فقر و نداری ،پیامد های گسترده ای در سطح جامعه و خانواده خواهد داشت.فقر و محرومیت سبب می شود،تا فرد فقیر از زندگی خاصی به ناچار پیروی نماید که تأثیر آن در تمامی لایه ها و زوایای پنهان و آشکار زندگی اش نمودار است.فقرا به طور معمول در عرصه احتماعی، حضور چندانی ندارند و از مشارکت در فعالیت های عمومی مثل فعالیت در نهادها و ساز مان های بزر گ پرهیز می کنند.

در سطح فقر منجر به سوء تغذیه،کمبودویتامین و بروز معلولیت ها و شکلات جسمی و روانی فراوانی می گردد که به طور قطع درآینده شغلی و کسب مهارت افراد تأثیر گذار است.در بعد فرهنگی می توان از افت تحصیل ، ترک تحصیل و نداشتن امکانات لازم برای طی مدارج عالی تحصیلی نام برد7.

 و چنین کمبودهایی در شخصیت و اعتماد به نفس افراد تأثیر گذارده و آنها را افرادی با اعتما د به نفس ضعیف و پر خاشگر بار می آورد ؛و پر خاشگری و بد رفتاری در سطح خانواده در روابط اعضای آن تآثیر گذار می باشد.نتیجه آن عدم ثبات در محیط خانواده و فاصله گرفتن اعضای آن از یکدیگرمی گردد؛خانواده ای با ارتباط ضعیف اعضا خانواده ای خواهد بود که در مسیر اضمحلال حرکت می نماید.

**پیامد های فقر**

- **فقر و تخریب شخصیت**

شخصیت هر انسانی دارای ابعادی است که یک بعد بر بعد دیگر تأثیر گذار است. به گونه ای که اگر یک بعد شخصیت انسان بر اثر حادثه و علتی سست و ضعیف شود ،این سستی بر بعد دیگر اثر می گذارد.حضرت امیر المومنین علی (علیه السلام) اثر تخریبی فقر را بلر شخصیت انسان این گونه توصیف کرده اند و خطاب به فرزند خود امام حسن (علیه الیلام) فرمودند: پسرم، اگر فقیر راستگو باشد او را دروغگو نام نهند و اگر زاهد باشد،اورا نادان خوانند8.

برخی از مردم با وجود فقر مالی زندگی آرامی دارند و،نه منت کسی را می کشند، نه غصه چیزی را می خورند9. امادر مقابل عده ای برای فرار از فقر احساس نیاز خود را مطرح کرده و طلب کمک می نمایند.

و این در حالی است که خواهش و طلب حاجت عزت نفس را خدشه دار می سازد؛و مردم دیگرارزش شخصیتی سابق را برای او قائل نباشند.و به فرموده حضرت علی (علیه السلام) صدای چنین شخصی شنیده نمی شود.

از سخن امام چنین بر می آید که اثر تخریبی فقر بر شخصیت اجتماعی انسان چنان واضح است که ممکن است او را دروغگو نام نهند.وقتی فردی با چنین بر خوردی از سوی سایرین مواجه شود،اعتماد به نفس خود را از دست خواهد داد.ضعف اعتماد به نفس مانع حضور در برخی صحنه هنای اجتماعی است.

وفرد در صورت ناتوانی در مقابله با این مشکل رو به سوی اعمال ناشایست و یا پرخاشگری در خانواده می اورد؛ و نتیجه چنین رفتارهایی عدم پیوستگی اعضای خانواده و اضمحلال بنیان خانواده را به دنبال خواهد داشت.

- **فقر و طلاق**

فقر از عوامل تاثیر گذار و باعث بروز طلاق می گردد. به علت کمبود امکانات و تسهیلات زندگی موجب افزایش نارضایتی زوجه از زوج و سرایت آن بر سایر حوزه های زندگی سر انجام به طلاق می انجامد.و وقتی خانواده ای یکی از پایه های اصلی خود را از دست دهد؛موجب ناآرامی روانی و آشفتگی کودکان طلاق می گردد.که این از عوامل اصلی بزه فرزندان می باشد.10

- **فقر و سلامت روانی**

 مهمترین سرمایه در یک خانواده «سلامت روانی» است.در واقع شرط اصلی برای یک زندگی سالم،بارور و تعالی دهنده بر خورداری از شخصیتی سالم می باشد.و در واقع خانواده عامل بنیادین برای پرورش شخصیتی سالم است11.

عواملی نیز وجود دارند که این سلامت را تهدید می نماید. یکی از ایم عوامل فقر مادی خانواده است.وقتی سلامت روانی اعضای خانواده دچار مشکل گردد،دیگر آن خانواده کانون آرامش و تعالی انسان نخواهد بود.

-**فقر و خانواده ها ی تک والدی(مادر)**

 خانواده ای که در اثر طلاق و یا فوت پدر را از دست داده است در حیطه مالی دچار کمبودها و مشکلاتی در رفع نیاز مندیهای خود می گردد.

از طرفی شرایط روحی؛جسمی،عاطفی،اجتماعی،فرهنگی و اقتصادی زنان سبب شده است با بروز تنگدستی، میزان جرایمی چون اعمال منافی عفت،اعتیاد و قاچاق مواد مخدر در زنان بالا رود12.

و خانواده ای با چنین سرپرستی در بیشتر موارد تحت تأثیر اعمال و رفتارهای مادر قرار می گیرد؛ این خانواده با عدم وابستگی به قیود شرعی ،خانواده ای خواهد بود که هر یک از اعضای آن فقط خود و هدف خود را مد نظر قرار می دهند. و اگر هم کنار یکدیگر زندگی می کنند یا به جبر است و یا به سبب نیاز. و اندک رابطه و پیوستگی بین آنها نیز به سرعت خواهد گسست.

**- فقر و انزوای دینی**

یکی دیگر از پیامد های فقر این است که به دین فرد آسیب رسانده و سبب سستی معتقداتش می شود.چنین انسانی به پرتگاه های شک و سستی اعتقادی کشانده می شود.13و در اثر ضعف در اعتقاد به سبب کسب موقعیت اجتماعی دیگر را پایبند به اصول و موازین اسلامی و اجتماعی نخواهد بود.

در این صورت بسیاری از کارها را به راحتی انجام خوهد داد که می شود تمامی آنها به منزله تیشه بر ریشه خانه و خانواده زدن می باشد و به مرور زمان افراد دیگر خانواده به او بدبین گشته و این دودلی در بین سایرین نیز رواج می یابد؛که درنتیجه آن خانواده با گذشت زمان قدم به قدم به سوی نابودی پیش خواهد رفت.

-**فقروانزوای اجتماعی**

 انسان موجودی اجتماعی است .و به ایجاد و برقراری رابطه با دیگران محتاج می باشد. و اگر به علتی تنواند این نیاز خود راتأمین نماید دچار سرخوردگی و افسردگی میگردد؛و در صورت عدم درمان ،این فشار های عصبی خود را در وهله اول در ارتباط با اعضای خانواده بروز می نماید.

فقرعمده ترین مانع برای پیوستن به اجتماع و عضوشدن در آن است،و بطبع هیچ مجال اجتماعی برای ایشان فراهم نمی شود. ود رجامعه طوری زندگی میکنند که گویی نیستند.زیرا فقریکی از عوامل فراموش شدن انسان در اجتماع است،فقر باعث می شود دیگران به با دیده حقارت به آنان بنگرند. 14

به فرموده حضرت علی (علیه السلام) به صورت کسانی در آیند که «تَقتَحمُهُ العیونُ و تَحقرُهُ الرجال چشمها-از سر خواری- به آنان می نگرند، و مردمان آنان را کوچک و ناچیز می شمارند.»14 و ایند از آن جهت است که فقر مایه ی فراموش شدن است. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:« الفَقرُ ینسی»15 فقر انسان را می فراموشاند.

-فقر و انزوای فرهنگی و فکری

فقر که نوعی نیازمندی است ؛در وقع همان دسترسی نداشتن به امکانات لازم جهت شکوفا شدن استعدادهای آدمی است.زیرا بهرهمندی از آموزشهای مختلف نیاز به حداقل توان وتمکن مالی دارد؛و اگر شخصی تمکن کافی را برای بهرهمندی از آموزشهای فرهنگی را نداشته باشد،به نتایج حاصل از آموزش و پرورش نیز دست نخواهد یافت.به همین جهت عقب ماندگی فکری و فرهنگی بر او تحمیل میشود.16حاصل آن خانواده ای خواهد بود به دور از رشد فرهنگی و ممکن است با هر اختلاف کوچکی از هم متلاشی شود.

-**فقر و اقدام به خودکشی**

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:« وثَلاثُ من ابتُلی بواحِدةٍ تَمنّی الموت :فقرٌ مُتتابع ٌ،حُرمةٌ واضِحَة ،و عدوٌّ غالب. سه چیز است که چون شخصی به یکی از آنها مبتلی شود، آرزوی مرگ خواهد کرد: فقر پیوسته، آبروی ریخته و دشمن پیروز.»17

خودکشی یکی از رفتارهای پرخطر در جامعه‌ی کنونی است که در زمره‌ی آسیب‏ها‏ی اجتماعی رایج قرار می‌گیرد. فقر یکی از عواملی است که از راه «خشونت خانوادگی» بیش‌ترین تأثیر را بر خودکشی می گذارد. به ویژه فقر اقتصادی و بی‌کاری مردان زمینه‌ای برای اعمال خشونت علیه زنان و فرزندان گردیده است .بسیاری از زنان به علت فقر، بی‌کاری و اعتیاد شوهر مورد آزار و آسیب جسمی و روحی واقع شده‌اند. و در اعتراض به فقر مردان، به سمت خودکشی گرایش می یابند.

در واقع فقر به‌واسطه روابط و شرایط زیر بر خودکشی تأثیر‌گذار است: ۱-برخی از جوانان بی‌کار در خانواده‌های فقیر، برای رهایی از وضعیت موجود دست به خودکشی می زنند. فقر موجب منزوی شدن جوانان و قطع ارتباط با گروه دوستان و مردم میگردد.انزوا و افسردگی خود یکی از عوامل احساس تنهایی و اقدام به خودکشی می باشد.

-۲ فقر، موجب احساس نابرابری نسبت به دیگران، روحیه ضعف، حقارت و در نهایت خودکشی افراد میگردد.

 3-بی‌کاری و فقر سرپرست خانواده و انتظارات افراد خانواده از او موجب کنش‌های خشونت‌آمیز می‌شود.

 -۴جوانان مجرد و بی‌کار، برای رهایی از شرایط افسردگی و احساس بی‌ارزشی و سربار بودن خانواده به فکر خودکشی می افتند.

-**فقرو عدم اطاعت پذیری از والدین**

الگوبودن والدین یکی از نقشهای آنان در زندگی فرزندان می باشد.و انسان به طور معمول کسی رابه عنوان برای خود بر می گزیند که حداقل از نظر وی برتر و تا حد ممکن بی عیب و نقص باشد.والدین اولین الگوهای فرزندان می باشند.

یکی از اموری که در این نقش والدین اثر گذار است،توانایی آنان در برآورده ساختن نیازهای فرزندانشان می باشد.زیرا آنها پدر و مادر را پشتوانه و تکیه گاه خود قلمداد می نمایند.ولی هنگامی که مشاهده نمایندکه آنها قادر به تأمین معاش نیستند؛ممکن است اعتماد خود را به آنها از دست بدهند.

در نتیجه دیگر به راهنمایی آنان را به عنوان حلال مشکل در نظر نمی گیرند؛و دست به مخالفت با آنهامی زنند.ایت اختلافات زمینه بروز درگیری و مشاجره می گردد و محفل خانواده به کانون متشنجی بدل می شود.

**-فقر وپریشانی**

...و لَو کنتُ اعلم الغیبَ لاستَکثَرتُ منَ الخَیر،و ما مسنی السوءُ...

(بگوای محمد)اگر از غیب (جز آنچه خدا به من خبر می دهد ) خبر داشتم،بر خیر خویش بسیار می افزودم و بدی و پریشانی به من نمی رسید...18

امام باقر (علیه السلام) به مردی از اصحاب خویش فرمود:خدای بزرگ در کتاب خویش می فرماید:« و لَو کنتُ اعلم الغیبَ لاستَکثَرتُ منَ الخَیر،و ما مسنی السوءُ»،مقصود (از سوء،بدی،پریشانی)فقر است.19

یکی از پیامدهای منفی فقر ،پریشانی و اضطراب است؛چنان چه فرد در تأمین معیشت خئد دچار مشکل شود،تأثیر این موضوع بر روی فرزندان بیشتر مشهود است.به دلیل تأثیر پذیری فرزندان از جمع دوستان و هم سالان خود،در صورت مواجه با کمبودهای اقتصادی دچار سر خوردگی می گردندند.در نتیجه ی آن از حضور در میان دوستان خود پرهیرز نموده و دچار افسردگی می شوند؛که خود این امر نیز پیامدهای جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت.

در مقابل عده ای هم در ننتیجه ی فقر مالی ،چون والدین را مقصر می پندارند،دست به پرخاش و خشونت می زنندو.مسلم است که حاصل آن چیزی جز ایجاد فاصله بین والدین و فرزندان نخواهد بود.و بنیان خانواده به سبب سستی روابط دچار اضمحلال می گردد.

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی طولانی فرمودند:«..سلمان و ابوذر از کسانی بودند که شما از فضیلت و زهد آنان آگاهید؛همین سلمان چون سهم خود را از بیت المال می گرفت،به اندازه ی قوت سال از آن بر می داشتو تا رسیدن سهم سال بعد آن را نگه می داشت.به او گفتند:ای اباعبدالله !تو زاهدی که داری چنین می کنی و حال آن که نمی دانی امروز یا فردا خواهی مرد؟او در جواب می گفت:چرا همانگونه که می ترسید بمیرم،امید نداریدزنده بمانم:مگر شما نادانان نمی دانید که نفس انسان اگر به داشتن وسیله ی معیشت خود مطمئن نباشد گرفتار پریشانی و اضطراب می گردد و چون وسیله ی معیشت داشت اطمینان خاطر پیدا می کند.»20

**-فقر و بی بندو باری**

با توجه به اینکه امروزه دارا بودن توان مالی بالا نوعی ارزش(به اشتباه) به حساب می آید؛و شحصیت هر شخصی با توجه به این امتیاز مورد احترام قرار می گیرد.وبا توجه به این مهم که جوان همواره دوست دارد مورد توجه و محبت دقرار بگیرد و برا ی او و شخصیتش ارزش و احترام قائل شوند؛در برخی موارد برای بهره مندی از این ارزش کاذب تمام تلاش خود را به کار می گیردتا صاحب قدرت مالی شود و یا تظاهر به چنین امری نماید.

و هنگامی که از راههای معمولی به چنین توانی نرسد، به اعمال منافی عفت روی خواهد آورد . و یا اگر چنین نیز نکند ،ممکن است برای ابراز وجود دست به اعمال ناشایست زند، و یا سعی می نماید از طریق ظاهر سازی و خود را هم رنگ دوستان نمودن این نقیصه را بر طر ف نماید.

**-فقر و کفر**

پیامبر (ص)به روایت امام صادق (علیه السلام) :...آنگاه به دستور پیامبر (ص) فریاد زدند الصلاة الجامعه(تا همه ی مردم گرد آیند)، و خود به مهاجران و انصار فرمان داد که صلاح بر گیرند،پس مردمان جمع شدند ،پیامبر بر منبر بالا رفت و خبر نزدیک شدن مرگ خویش را به ایشان دادو فرمود:خدا رابه یادهر حاکم اسلامی پس از خود می آورم...مردمان را فقیر نکند که در نتیجه کافرشان خواهد کرد.21

هان طور که از حدیث بر می آید یکی از عوامل کفر و بی دینی فقر بر شمرده شده است. زیرا شخص فقیر هنگام مواجه با افراد بی نیازممکن است چنین بر او مشتبه شود که خداوند بین او سایر انسانها تفاوت قائل شده است و خود را صاحب حق بداند؛و اینکه خداوند حق او را ادا ننموده است. بنابر این دیگر خود را ملزم به اطاعت از فرامین و دستورات الهی نمی نماید.

زیرا در اندیشه به سر می برد که خدا وند برای او کاری ننموده است که حال او بخواهد او را شکر نماید و یا او را بپرستد.در نتیجه به خود این اجازه را خواهد داد که خویش را از یوق بندگی وی بر هاند و ارتکاب هر عمل حرامی را بر خود جایز بداند. این طرز تفکر به طور قطع بر روی سایر اعضای خانواده به ویژه کودکان اثر گذار خواهد بود و نتیجه آن چیزی جز نابودی بنیان خانواده نخواهد بود.

-**فقر و ابراز نیاز**

النبی (ص):«یا علی!انَّ الله جَعلَ الفقرَ امانة عندَ خلقِه،فمَن سترَه اعطاهُ اللهُ مثلَ اجر الصائم القائم. وَ من افشاهُ الی من یَقدُرُ علی قضاءِ حاجتِه فلم یَفعَل فقَد قتلَه؛اما انَّه ماقَتَله بسیفٍ و لا رُمحٍ ،و لکنه قَتلَه بما نکی من قلبه.

پیامبر (ص): ای علی! خدا فقر را امانتی نزد آفریدگان خود قرار داده است ،پس هر کس آن را بپوشاندپاداش نمازگزار روزه دار به او می دهد؛و هر کس آن را در نزدکسی که می تواند وی را از فقر برهاند آشکار سازد و او چنین نکند فقیر را کشته است؛ البته او را به شمشیر و نیزه نکشته ،بلکه با جریحه دار کردن قلبش کشته است.»22

انسانها در مواجه با فقر به دو گونه عمل می کنند ؛یا با آن نداری می سازند و یا برای رفع آن حاضرند زیر بار قرض و وام بروند،ودر برابردیگران ابراز نیاز نموده و به خواری و ذلت تن دهند تا به قول خود ازقافله عقب نمانند. و هر ابراز نیاز ی برابر است با حقیر نمودن نفس آدمی.

و نتیجه ی تحقیر نفس سرخوردگی می باشد. و حال یا عده ای با این موضوع کنار می آیند و قرض کرفتن برای آنها انمری معمول و عادی می گردد. و یا اینکه نتیجه ی این سر خوردگی به شکل دیگری بروز میکند. که در مرحله ی اول پرخاش و بد خلقی با اعضای خانواده و فرزندان می باشد. جو ناآرام حاصله ،محیط خانواده را متشنج می نماید.

-**فقر و اندوه**

الامام علی (ع):«منِ افتَقَر فیها(الدنیا)حَزِن.

امام علی علیه السلام : هر کس در دنیا فقیر باشد،همواره اندوهناک است.23

الامام عل (ع): الفَقدُ احزانٌ.

امام علی (ع) نداشتن ،اندوه روی اندوه است.

حتی اگر سایر آثار منفی فقر را بر زندگی نادیده بگیریم و حتی اگر شخصی در مواجه با فقر ابراز نیاز ننماید؛نباید جنبه ی روانی پیامد فقر را بر شخصیت فرد انگاشت.زیرا کمترین اثر فقراندوه و غصه خوردن می باشد. وقتی انسان در بر خورد با دیگران ببیند که قادر به برآورده ساختن نیاز های داولیه خانواده و یا حتی خود نیست، دچارافسردگی حاصل از اندوه فقر می گردد. و پیامدهای افسردگی بر کسی پوشیده نیست.در سطح خانواده افسردگی ،اعضای آن را دلسرد نموده و محیطی آکنده از غم و غصه و رابطه ای سرد و بی روح بین آنها حاکم خواهد بود.

**راهکارهای مبارزه با فقر از دید ائمه**

**-پناه بردن به خدا از ذلت و خواری و فقر و نداری**

الامام علی(ع)

«اللهم صُن وَجهی بالیسارِ،و لا تَبذُل جاهیَ بِالاقتارِ ، فَا سترزِقَ طالبی رزقِکَ..

امام علی علیه السلام:خدایا !آبرویم را را با بی نیازی نگه دار و با تنگدستی،شخصیت مرا لکه دار مفرما،که از روزی خواران تو روزی خواهم!.»24

همواره برای حل مشکلات ائمه معصومین با سیره ی عملی خود راهکارهایی را فرا روی ما قرار داده داند. و همان گونه که آدمی به طور طبیعی برای حل مشکل خود به سراغ قدرتمند تر از خویش می رود؛ایشان برای رهایی از مشکلات مارا متوجه منبع اصلی خیر و بی نیاز مطلق نموده اند.

آن چنان که از حدیث بر می آید و امیر المومنین در رهایی از فقر به خداوند منان پناه می برد ،ما را متوجه این قضیه می نماید که بهترین منبع رفع نیاز، کسی است که خود بی نیاز مطلق باشد. و آن جز خداوند حکیم کیست؟!

«یا ایها النّاسُ أنتُمُ الفُقَراءُ الی الله وَ الله هوَ الغنیُ الحمید:ای مردم شما به خدا نیازمندید،و خداست که بی نیاز و ستوده است.25»سوره ی فاطر آیه ی 15. این سخن مولی الموحدین راهکاری را برای رهایی از فقر پیش روی ما قرار می دهد و آن پناه بردن به خدا و طلب یاری از اوست.

**-صدقه دادن**

الامام علی (ع)

إذا املَقتُم فَتاجِروا اللهَ بالصَّدَقةِ.

امام علیه السلام:هر گاه تهی دست شدید ،با صدقه دادن با خدا تجارت کنید.26

همان گونه که روشن است برای صدقه آثار بیشماری را بیان نموده اند. امام علی علیه السلام در این حکمت یکی از راهکارهای عملی رفع فقر را دادن صدق بیان نموده اند.

در واقع شخص فقیر با صدقه دادن اندک نمالی که در اختیار دارد با خداوند رحمن معامله می نماید. و خداوند چه خوب معامله گری است.این بخشش هر چند ناچیز،در واقع نوعی ابراز علاقه به محبوب است. و این ابراز علاقه از سوی او هیچ گاه بی پاسخ نمی ماند. در مقابل نیز خداوند با نزول برکات و نعمات بنده اش را از محتاج شدن وی به دیگری بی نیاز می نماید.

**راه کارهای مبارزه با فقر**

به طور طبیعی برای مبارزه با فقر باید دو راهکار را در نظر گرفت:راهکارهایی که حالت مسکن و ضربتی دارندو به طور عمده بر رفع و محو آثار و عوارض فقر تآکید دارند،و راهکارهایی که بر کارهای بلند مدت متکی هستند و به زمینه ها و علل پیدایش فقر توجه دارند.

**راهکارهای کوتاه مدت**

از آنجا که چهره فقر بسیار زشت،کریه و خشن است ،باید از رلاهکارهای ضربتی نیز بهره جست.از قبیل کاهش بیکاری،اعطای وام،ساخت مسکن ارزان وحمایت های اجتماعی را باید سرلوحه کارها قرار داد.این برنامه ها مقطعی و زود گذرند و می توانند مقداری ا زشدت آلام و مصائب قشر فقیر را کم نمود.اما این راهکارها نهایی و اصولی تلقی نمی شود.27

**راهکارهای بلند مدت**

در این راهکارها به طور کلی اصلاح ساختارهای اجتماعی،اقتصادیريالو فرهنگا ، به منظور کنترل، کاهشو محو فقر اهمیت فراولانی دارد.توزیع عادلانه درآمددر بین مردم،در کنار رشد اقتصادی می تواند موجب کاهش سطع بی عدالتی و فقر شود.28

**نتیجه گیری**

فقر مادی زمینه را برای عقب ماندگی اقتصادی،اجتماعی و فرهنگی خانواده فراهم میکند.عقب ماندگی در تمامی این زمینه ها،موجب احساس حقارت وتزلزل شخصیت و بروز اختلاف و درگیری بین اعضای خانواده گردد.و به موجب آن بنیان خانواده استحکام خود را از دست داه و رو به سوی اضمحلال نهد.

**پی نوشت**

1.حسن عمید،فرهنگ عمید،تهران،امیر کبیر،1381،ج2،ص545

2.شورای فرهنگی اجتماعی زنان،کتاب زنان،تهران،1382،ش 21،ص49

3.حسن عمید،فرهنگ عمید،تهران،امیر کبیر،1381،ج1،ص184

4.شورای فرهنگی اجتماعی زنان،کتاب زنان،تهران،1382،ش21،ص48

5.گردآورنده عبدالواحد تمیمی آمدی،غررالحکم ،انتشارات دانشگاه تهران،تهران،1373،ص190

6.ترجمه ی ابولفضل بهرام پور، قرآن کریم،تهران،1382،ص 267

7. شورای فرهنگی اجتماعی زنان،کتاب زنان،تهران،1382،ش21،ص71

8.ترجمه ی علی رضا برازش،بحارالانوار،وزارت ارشاد اسلامی،تهران، 1373،ج72،ص430

9.فصل نامه علمی کاربردی وام،چاپ غزال،تهران،1388،ش 48،ص22

10.همان،ص84و 85

11.چکیده ی مقالات،موسسه ی آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)،قم،1384،ص143

12.همان،ص35

13. مترجم،احمد آرام،الحیاة، انتشارات دلیل ما،1385 قم،،ج4،ص 408و409

14.همان،ص405

15.همان،ص395

16.همان،ص403

17.همان،ص428

18. ترجمه ی ابولفضل بهرام پور، قرآن کریم،تهران،1382،ص175

19. مترجم،احمد آرام،الحیاة، انتشارات دلیل ما،1385 ،قم،5،ج4،ص380

20. ترجمه ی علی رضا برازش،بحارالانوار،وزارت ارشاد اسلامی،تهران، 1373،ج93،ص143

21.ترجمه ی محمد باقر کمره ای،اصول کافی،انتشارات اسوه،قم،1370،ج5،ص143

22.همان،ج1،ص406

23.همان،ج2،ص260

24. مترجم،احمد آرام،الحیاة، انتشارات دلیل ما،1385، قم،5،ج4،ص391

25.ترجمه ی محمد دشتی،انتشارات مسجد مقدس جمکران،1387،قم،ص328

26.همان،ص489

27. شورای فرهنگی اجتماعی زنان،کتاب زنان،تهران،1382،ش21،ص72

28.همان،ص73

**فهرست منابع**

\*قرآن کریم،ترجمه ی ابوالفضل بهرام پور،انتشارات سبحان،تهران،1382

\*نهج البلاغه،ترجمه ی محمد دشتی،انتشارات مسجد مقدس جمکران،قم،1387

1.آرام،محمد،مترجم،الحیاة،انتشارات دلیل ما،قم،ج4،1370

2.برازش،علی رضا مترجم،بحار الانوار،انتشارات وزارت ارشاد اسلامی،تهران،جلد72،1373

3.برازش،علی رضا مترجم،بحار الانوار،انتشارات وزارت ارشاد اسلامی،تهران،جلد،1373

4.تمیمی آمدی؛عبدالواحدمترجم،غررالحکم،انتشارات دانشگاه تهران،تهران،1373

5.شورای فرهنگی اجتماعی زنان،کتاب زنان ،تهران،شماره21،1382

6. شورای فرهنگی اجتماعی زنان،کتاب زنان ،تهران،شماره 26،1382

7.کمره ای ،محمد باقر مترجم،اصول کافی،انتشارات اسوه،تهران، جلد1و2و5،1373

8.فصل نامه علمی کاربردی قرض الحسنه،چاپ غزال، تهران،شماره45،1387

9. فصل نامه علمی کاربردی قرض الحسنه،چاپ غزال،تهران، شماره 48،1388

10.چکیده مقالات،موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)،قم،1384